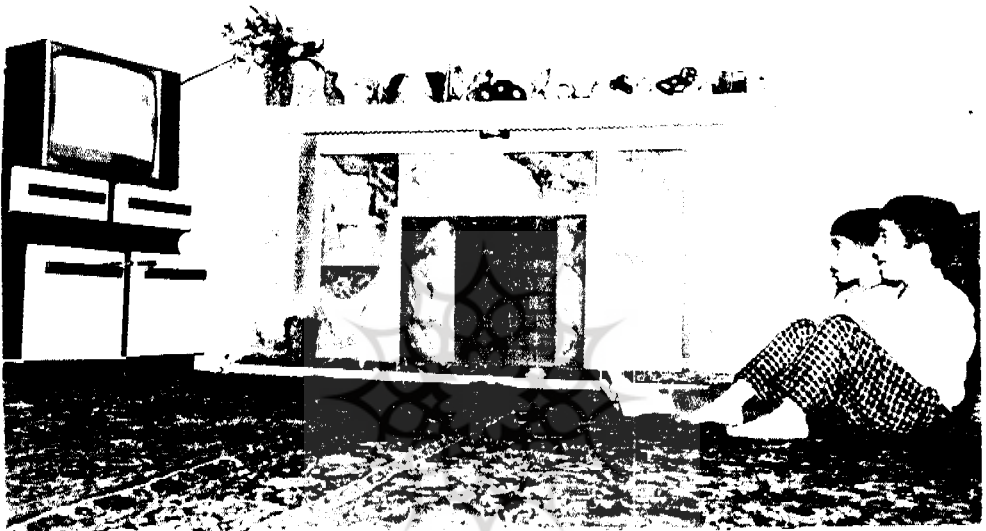


# تلویزیون و کودکان



## اثرات تلویزیون

مکانیسم کزیر استفاده کند تلویزیون اثر شدیدتری روی او خواهد داشت. چون بسیاری از برنامه هایی که کودک می بیند خاص کودکان نیست، همیشه بدرستی آنچه را که می بیند نمی فهمد. فهم بخشی از برنامه و تحریف معنی یک برنامه برای کودک. مضرتر از نفهمیدن آن بطور کامل است. این نکته هنوز روشن نیست که آیا مضرات جسمی است یا روانی که در کودک وجود دارد. مثلا " کودکی که قدرت دید ضعیف دارد و عینک می زند ممکن است نتواند در برخی از بازیهای همسالانش شرکت کند و یا والدینش از ترس شکستن عینک او به وی اجازه بازی ندهند. در چنین شرایطی

اثرات تلویزیون روی کودک مانند سینما تا حد زیادی بستگی باین دارد که کودک چه مقدار از برنامه ها را به خاطر می سپرد، تا چه حد می فهمد و آیا با قهرمانان تلویزیون همانند سازی می کند یا خیر. اگر او با یک شخصیت خوشایند همانندسازی کند که تجسم ضابطه های غیر قابل قبول اخلاقی است و یا بیش از حد برخاشکر است، همانند سازی برایش مضر خواهد بود. وقتی در زندگی روزمره نیازهای کودک برآورده نشود و او از تلویزیون به عنوان یک

کودکان و کودک سالم کمتر از کودک ناسالم از تلویزیون اثرات ناخوشایند می پذیرد.

### مهمترین اثرات تلویزیون

۱ - اثرات جسمی : مخالفان تلویزیون ادعا می کنند این وسیله در برنامه منظم خوردن و خوابیدن کودک ایجاد اختلال می کند. کودک ممکن است برنامه غذا خوردن خود را به خاطر تماشای تلویزیون به تعویق بیاورد و یا حتی تماشای آن غذا بخورد که نتیجه آن نجویدن غذا بقدر کافی است. علاوه بر این غذای حاضری خوردن حین تماشای تلویزیون که میان خیلی از مردم بخصوص کودکان رایج است اشتها را از بین می برد و یک رژیم غذایی را به کودک تحمیل می کند که در آن نشاسته و شیرینی زیاده از حد کنجانده شده است. بسیاری از کودکان جاق مشتری دائمی تلویزیون هستند زیرا قادر نیستند در بازپهای همسالانشان شرکت کنند. حاضری خوردن ضمن تماشای تلویزیون فقط مشکلات را زیاده تر می کند. اختلال در خواب کودک توسط تلویزیون مهمتر از اختلال در غذا خوردن اوست. کودکانی که بیش از حد برای تماشای تلویزیون بیدار می مانند از خواب بسیار کمی برخوردار می شوند.

کودکان خردسال اغلب رؤیا یا کابوسهایی درباره برنامه هایی که دیده اند بخواب می بیند. تماشای زیاد تلویزیون ممکن است کودک را عصبی کند بخصوص اگر برنامه های وحشتناک را ببیند.

۲ - اثرات روی سایر انواع بازیها : تلویزیون همشده وقتی را اشغال می کند که باید

کودک، ممکن است به تلویزیون به عنوان جانشینی برای بازی روی آورد. اینکه تلویزیون تا چه حد روی قدرت بینایی ضعیف او اثر خواهد گذاشت سئوالی است که پزشکان هنوز نتوانسته اند به آن پاسخی بدهند. به همین ترتیب کودکی که فاقد پذیرش اجتماعی است یک تماشاگر دائمی تلویزیون می شود. هر سالی که می گذرد او بیشتر از اجتماع کناره می گیرد و قدرت انطباق اجتماعی او ضعیف تر می شود زیرا از آموختن تجربه هایی که همسالانش دارند محروم است. در نتیجه ظاهراً " به نظر می رسد در اثر تماشای زیاد تلویزیون از نظر روانی به وی لطمه خورده است. چنین استنباطی غلط است. اگر چه شکی نیست که تماشای زیاد تلویزیون ممکن است اثری در انطباق اجتماعی کودک داشته باشد ولی این حقیقت که کودک نیز از فرصت هایی برای یادگیری محروم بوده است نباید نادیده گرفته شود. اینکه کدامیک از این دو مهمتر است هنوز مورد سئوال است.

### اثرات ویژه

اثرات فراوانی که تماشای تلویزیون روی کودک دارد ارزش یک تجزیه و تحلیل انتقادی را دارد. تا زمانیکه اطلاعات بیشتری بدست نیاید تعیین اینکه آیا تلویزیون برای کودک بیشتر مضر است یا مفید و اثرات آن دائمی است یا موقتی غیر ممکن است.

بازمانی که نسل حاضر کودکان تماشاگر تلویزیون به میان سالی نرسد، تعیین اثرات دراز مدت آن کاری غیر ممکن خواهد بود. در یک نکته همگان توافق دارند، کودکی که انطباق درست اجتماعی و شخصی دارد کمتر از سایر

دانش آموزان وقت خود را بیشتر صرف تماشای تلویزیون می‌کنند تا انجام تکالیف مدرسه‌شان. این امر بدون شک اثراتی روی کودک دارد حتی اگر وقتی که صرف تماشای تلویزیون می‌شود صرف انجام تکالیف مدرسه نشود جنبهٔ مثبتی سستله این است که برنامه‌های تلویزیونی موضوع را آنقدر هیجان انگیز و زنده عرضه می‌کند که رقابت با آن برای کتابهای درسی غیر ممکن است. بسیاری از کودکان تماشاگر دائمی تلویزیون آنچنان باین هیجان معتاد می‌شوند که درسها و کتابهای مدرسه را بسیار کسل کننده می‌یابند.

صرف سایر فعالیتها شود، بخصوص بازی در خارج از منزل با سایر بچه‌ها، در نتیجه کودک از ورزش سلامتی بخش و رهایی روانی که بازی خارج از منزل باومی بخشد محروم می‌شود. علاوه براین او از آموختن تجارب سودمندی که برای تطابق اجتماعی او مفید است محروم می‌شود. تماشای زیاد تلویزیون منجر به یک برنامهٔ بازی نامتعادل می‌گردد و وقت کمی برای بازی سازنده، سینما رفتن و کوش دادن به‌رادیو باقی می‌ماند. وقتی تلویزیون به فعالیتهای کودک اضافه می‌شود معمولاً "کمتر کتاب می‌خواند، حتی کتابهای داستان مصور. مجله و



معلمین اغلب بدانجام دادن تکالیف مدرسه توسط شاگردان را تقصیر تلویزیون می‌شمارند. نظر خود معلمین نیز اغلب بستگی به این دارد که خودشان تلویزیون دارند یا خیر آنهاییکه تلویزیون ندارند اغلب در مقابل آن شکیبایی کمتری دارند.

۴ - اثرات روی فعالیتهای خانوادگی: در

روزنامه خواندن کودک کمتر لطمه می‌خورد زیرا قسمتهای مصور و کمدهی نیز دارند. ولی در عین حال تماشای تلویزیون اغلب باب علائق جدیدی را بر روی کودک می‌کشد و او را تشویق می‌کند برای افزایش دانسته‌های خود بیشتر بخواند.

۳ - اثرات روی تکالیف مدرسه: بسیاری از

۶ - اثرات روی اعتقادات: بسیاری از کودکان معتقدند هر چیزی که در تلویزیون گفته می شود درست است و اجرا کننده برنامه تلویزیونی در هر موردی بیشتر از والدین معلمان و پزشکان می دانند. اگر این نظر برای کودک دائمی شود تأثیر فراوانی بر کسب عادات کودک دنی رشد خواهد داشت درست همانطور که برالگوی رفتاری او طی دوران کودکی اثر خواهد گذاشت. علاوه بر این کودک نوعی تعمیم ساده لوحانه در این مورد می دهد، مثلاً " بسیاری از کودکان ما در خود را وادار می کنند یک غذای غله ای خاص را بخورد زیرا معتقد است خوردن آن باعث می شود او تبدیل به شخصی بشود که می خواهد باشد. کودک روی خوردن نوعی غذای خاص بدون توجه به ارزش غذایی آن اصرار می کند زیرا تبلیغات مربوط به آن غذا در تلویزیون برایش منافع کهنه بوده است .

#### خلاصه اثرات مضر تلویزیون

این خلاصه کوتاه اثرات مفید و مضر تلویزیون نشان می دهد که تلویزیون در تکامل کودک بیشتر از سایر انواع فعالیتها و بازیها اثر دارد. این نکته روشن است که در تماشای تلویزیون بیش از سایر بازیها احتیاج به کنترل و راهنمایی دارد. از آنجا که موضوع و تصاویر بسیاری از کتابهای صور داستان به حال کودک مضر است، والدین و معلمان سعی می کنند آن را از دسترس کودکان دور نگاه دارند. علاوه بر این فشار اجتماعی در بسیاری از جوامع بازرگانان را وادار کرده

لطفاً " ورق بزنید

خانواده تماشای تلویزیون نزدیکی جسمانی بیشتری به وجود می آورد ولی ارتباط اجتماعی را محدود می کند. تلویزیون خانواده را از خواندن، صحبت کردن و بازی کردن باز می دارد. از طرف دیگر علائق خانوادگی جدیدی بوجود می آورد و حلقه دوستان خانوادگی را وسیعتر می کند. افراد بیشتری به خانه می آیند ولی در عوض فعالیتها و تفریحات خارج از خانه کمتر می شود. بدون شک جدی ترین و ناخوشا - بندترین اثر تلویزیون بر زندگی خانوادگی آن است که بسیاری از والدین به جای برقراری نظم و دیسیپلین، از تلویزیون به عنوان یک " آرام کننده " برای کودکانشان استفاده می کنند .

۵ - اثرات روی عقاید و نطفه نظرها: آنچه که کودک روی صفحه تلویزیون می بیند آنقدر واقعی است که نقطه نظرانی که بعد از دیدن یک برنامه تلویزیونی در کودک شکل می گیرد احتمال دارد به زندگی او منتقل شود . در مطالعه‌های که در مورد اثرات تلویزیون روی مفاهیم و نظرات کودکان شد این نکته روشن شد که کودکان تمایل دارند باور کنند که کلانترها نادرست هستند، با جنایتکاران بد رفتار می شود، درست است که باید جنایتکاران را " سرکوب کرد "، پلیس باید برای دستگیر کردن جنایت کاران نادرست باشد و جنایتکاران باهوش هستند. تماشای مداوم جنایت، وحشت و بیرحمی عاقبت روی حساسیت کودک اثر می گذارد و وی رفتار ضد اجتماعی و مخرب را تقریباً " عادی تلقی می کند. علاوه بر این نمایش مداوم جنایت و خشونت بر حساسیت کودک نسبت به رنجهای بشر لطمه می زند .



است که این نوع کتابها را از قفسه های مغاره‌ها جمع کنند .

بسیاری از والدین در مورد تلویزیون نگرانی و توجه کمتری نشان می‌دهند تا کتابهای داستان . در واقع بسیاری از والدین کودکان را تشویق به تماشای تلویزیون می‌کنند . هنگامی که کودک خسته است تلویزیون نوعی مهد کودک خانگی است . علاوه بر این والدین در انتخاب برنامه های تلویزیونی به کودک آزادی بیشتری می‌دهند تا انتخاب کتاب داستان و فیلم سینما .

برای اجتناب از بسیاری از اثرات مضر تلویزیون پیشنهادی ارائه شده است : " از آنجا که کودک آن چیزی را می‌بیند که اجازه دیدنش به وی داده شده است و به آن چیزی کوش می‌دهد که اجازه کوش کردنش را دارد ، والدین باید نسبت به خود و فرزندانشان سخت گیر باشند و نیز با قیمت تلویزیون ، اگر به نوجوان اجازه داده شد ، مدارا پیشینند و یک سری قتل و جنایت را روی برده تلویزیون تماشا کنند ، در نهایت خود وی و والدینش رنج خواهند برد و لطمه خواهند دید . " این گفته البته بدان معنا نیست که کودک باید از لذت تماشای تلویزیون محروم شود بلکه به آن معنا است که اگر کودک باید مفاهیمی از خود ، سایر

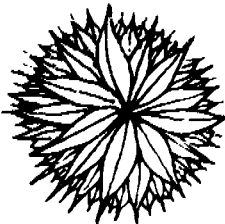
مردم و زندگی بطور کلی بدست آورد و اگر باید اصول اخلاقی مورد قبول جامعه را فرا گیرد هدایت و راهنمایی وی فوق العاده مهم است . مدتها قبل از آنکه حتی فکر تلویزیون به وجود آید پلانو براهمیت راهنمایی در آنچه که کودک می‌شنود تأکید کرد و گفت : آیاما باید بدون توجه اجازه بدهیم کودک هر داستانی را از هرکسی بشنود و وقتی بزرگ شد مفاهیمی درست عکس آنچه که ما انتظار داریم در ذهن او به وجود آید ؟

ملازمت‌رولین و بدو همکار مربیان مدرسه بزرگ‌شهرت

که اگر نقلی از کودک دیدیم یا تذکر و پند سعی کنیم او را واداریم که دست از کار و رفتار خود بردارد. دریابد که خوشبختی و سعادت او درگرو کار و تلاش شرافتمندانه است نه تقلب و خیانت . راه سعادت‌مندی درآبرومندی است نه نیرنگ و دو روئی .

۹ - مراقبت و تحکم : در صورتی که شیوه‌های فوق مؤثر واقع نشود ضروری است چنین‌کودکی را مورد شناسائی قرار داده و علی‌البداهت مراقب کار او و راه و روش او باشیم و اصل را بر این استوار سازیم که تن به تقلب و خیانت ندهد. حتی سعی کنیم مراقبان امتحان را در کنار او قرار دهیم تا دریابد که به علت خیانت دیگران هوای او را دارند و نمی گذارند که سر از خیانت درآورد. در مواردی حتی می توان به تفتیش او پرداخت تا دریابد که خیانت و تقلب سبب چنین ایذاء و آزاری شده و ناکزیر شود که تن به رفتاری شرافتمندانه دهد.

۱۰ - تنبیه اخلاقی : و بالاخره بهنکامی که اعمال همه این روشها سودمند نیفتاده‌می - توان از شیوه تنبیه اخلاقی سود جست و بصورت محروم کردن ، دور داشتن او از امتحان ، اخراج او از جلسه درس و کلاس و مدرسه پرداخت تا ناکزیر شود برای مراحل دیگر زندگی دست از کار بردارد .



دو کلاس را طی می کنند .

۵ - تقویت دروس : کودکی که منقلب است از یک نظر کودکی وامانده و عقب مانده از درس است . اگر درس خود را با راحتی بفهمد و به پیش رود دیگر نیازی نخواهد داشت که تن به تقلب دهد .

بدین نظر یکی از راههای غیر مستقیم اصلاح تقلب کودکان این است که در روش مورد تقویت قرار گیرد تا محتاج تقلب نگردد . معلم در این رابطه می تواند روش تدریس خود را نیز اصلاح نماید .

۶ - تفهیم راه شرافتمندانه : می توان به کودک تفهیم کرد که اگر فرصتی را که صرف تقلب می کند صرف مطالعه و درس و بحث نماید و بتواند آن را در خود تقویت نماید نیازی به تقلب نخواهد داشت . از او بخواهید که شبانه روزی یکساعت بیشتر و از روی دقت کار کند و هم زمینه ای فراهم کنید که بتواند نتیجه و حاصل تلاش خود را دریابد . بنظر ما اعمال این روش در اصلاح کودک بسیار مؤثر خواهد افتاد .

۷ - تربیت شغلی : در مواردی که کودک از لحاظ ذهنی در وضع و موقعیتی نیست که به پیش رود و فشارها و راهنماییها در این رابطه مؤثر نباشد و او هم چنان تن به تقلب دهد ضروری است پدر و مادر دست از اصرار خود برای موفقیت‌های مکرر او از تحصیل بردارند و او را به سوی شغل و حرفه ای سوق دهند . البته مصلحت این است که حداقل تحصیلات لازم را بدست آورد و به کاری سرگرم گردد .

۸ - تذکر و پند : در عین حال ضروری است